

مرثیہ حسن سجزی و آثار او

دکتر سیدہ فلیحہ زہرا کاظمی

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایل سی (ہانوان)، لاہور

ELEGY BY HASAN SIJZI AND HIS LIFE

Syeda Faleeha Zahra Kazmi, PhD

Associate Professor of Persian, LCWU, Lahore

Abstract

Hasan Sijzi is one of the finest poets of Persian. His verse is smooth, lucid and teamed with words of wisdom. Bulban's son took Sijzi along him when he conquered Multan. He earned a high position among literati there. He wrote an elegy on Muhammad Khan while he was in prison. This article includes life and work of Hasan Sijzi as well as his elegy on Muhammad Khan.

Keywords:

ایران، سیستان، دہلی، جلال الدین، امیر خسرو، حنفی

دولت آباد، تغلق شاہ، نظم، نثر، تاریخ فیروز شاہی

در خُمِ معنی حسن را شیرۀ نور ریخت عشق
شیره از خمخانۀ مستی که در شیراز بود
حسن، گلی ز گلستان سعدی آورده است
که اهل معنی گلچین آن گلستان اند

امیر نجم الدین حسن دهلوی معروف به سعدی هند به روایتی در
سال ۵۲۵۵.ق/ ۱۲۵۷م در شهر دهلوی بدنیا آمد؛ اصل او از سیستان یا
سجستان (ایران) می باشد. و پدر او علاء الدین سیستانی معروف به
علاهی سجری از سیستان به هند کوچیده بود (۱) اگرچه تذکره نویسان
مولد حسن را دهلوی نوشته اند اما وی در یکی از قصاید خود در این مورد
چنین می سراید:

بنده حسن، پسر سال و مه در طاعت این بارگه
از همّت والای شه صدگونه آلا داشته
پرورده از فضل ایزدش ارشاد غیبی مرشدش
پوده بدایوان مولدش دهیست منشأ داشته (۲)

پس بنما پر گفته خود او مولدش بدایوان (پداون) بود اما محل
زندگانیش دهلوی بوده است. تخلص او حسن و لقب در بعضی جاها جلال
الدین و در اغلب مآخذ نجم الدین بیان نموده اند.

بعد از امیر خسرو؛ حسن بزرگترین شاعر فارسی گوی شبه قاره در
سده های هفتم و هشتم هجری است بلکه یکی از عارفان برجسته این
سرزمین عرفان و تصوف می باشد.

به گفته دکتر صفا، حسن پر مذهب مرشد خود نظام الدین اولیاء یعنی
صوفی حنفی مذهب بود. وقتی حسن به خدمت شیخ نظام الدین اولیاء رسید،

سن او از پنجاه متجاوز بود. راجع به اولین ملاقات امیر خسرو و شیخ نظام الدین با حسن دولت‌شاه سمرقندی می نویسد: حسن دردگان خبازی نشسته بود و شیخ نظام الدین جمعی از اصحاب، بهازار می گذشت و خواجه خسرو نیز همراه بود. چون چشم خسرو بر حسن افتاد منظری زیبا دید و حرکات موزون و قابلیت در و مشاهده کرد خسرو از حسن سوال کرد که نان چگونه می فروشی؟ حسن گفت در پله ترازو می کنم و اهل سودا را می فرمایم تا مقابل زر می نهند، هرگاه زر گران تر آید مشتری را روان می کنم، امیر خسرو گفت اگر خریدار مفلس باشد مصلحت چیست؟ گفت درد و نیاز بوجه بر میدارم. امیر خسرو ازین نوع کلام حسن حیران ماند و کیفیت بر شیخ عرض کرد و خواجه حسن را نیز درد طلب دامن گیر شد و به خانقاه شیخ آمد (۲) اگرچه استاد ذبیح الله صفاراقعه‌ی مذکور را افسانه شمرده است و برای اثبات سخن خود دو دلیل چنین بیان می کند: "اولاً" حسن نسبت به امیر خسرو در شاعری تقدّم گونه‌ی بی از حیث زمان داشت. زیرا با آنکه حسن را در مدح غیاث الدین بلهان قصایدلیست و امیر خسرو درین باره چیزی ندارد و ثانیاً روایت مذکوره با روایت دیگری که از روزگار قدیم درباره کیفیت. آشنایی امیر حسن بن علاء با نظام الدین اولیاء شایع بوده سازگاری ندارد. شرح این روایت آنست که: روزی شیخ نظام الدین به زیارت مزار خواجه قلب الدین بختیار کاکبی به دهلی کهنه رفته بود و من (یعنی شهاب الدین امام از معاصران نظام الدین اولیاء که ناقل این روایتست) و مولانا پرهان الدین محمد غریب در رکاب آن جناب بودیم بعد دریافت زیارت حضرت خواجه جهت زیارت دیگر مشایخ گذار برکنار حوضی شمسی افتاد در آنجا خواجه حسن ولد علاء سبخری که عمرش از پنجاه سال متجاوز بود و در مبداء حال، بهاشیخ آشنایی

و مصاحبت کلی داشت با جمعی از یاران به شراب خوردن مشغول بود و چون شیخ را بدید پیش آمد و این دوبیت خواند:

سالمـا باشد که ماهم صحبتیم
گرز صحبتـمـا اثر بودی کجاست؟
زهد ثـان فسق از دل ما کم نکرد
فسق مایـان بهتر از زهد شماست

شیخ چون این سخن بشنید گفت: صحبتـمـا را اثر هاست، ان شاء الله تعالی رُوزی (نصیب. قسمت) بود. پس فی الفور دعای شیخ مستجاب گشته خواجه حسن سر برهنه ساختم برپایش نهاد و از جمیع مناهی توبه کرد و باتفاق یاران خود، مرید گشت. (۲)

اگرچه تاحدی تقدم میر حسن بر امیر خسرو را باید قبول نمود اما این امر را هم باید مورد توجه قرار بدهیم که وقتی پسر غیاث الدین بلخان، محمد قآن شهید (۵۲۸۲.ق/ ۲۸۲.م) میر حسن و امیر خسرو را همراه خود به ملتان برد، هر دو بزرگواران در خدمت پدرش بودند و فرمانی که پاهجوم مغولان محمد کشته شد، امیر خسرو و حسن باهم در اسارت مغولان بودند (۵) بعد از رهایی هر دو یگانه ی روزگار به دهلی برگشتند و در همان زمان غیاث الدین نیز رخت از این عالم فانی به عالم باقی بست.

حسن بعد از غیاث الدین بلخان، در دربار محمد شاه خلجی (۷۱۲.۲۹۵.ق/ ۱۳۱۲.۱۲۹۵.م) و تغلق شاه (بنیاد گذار دودمان تغلیه) و پسرش محمد شاه هم بوده است و سپس به سبب دستور سلطان محمد تغلق، حسن از دهلی به منطقه دولت آباد منتقل شد و همانجا در سال ۷۲۸.ق/ ۱۳۲۷.م فوت کرد و او را در خلد آباد (منطقه نزد دولت آباد) مدفون کردند.

معروف است، اگر کسی دهلیز مزار حسن را پوسه کند، درهای علم و دانش بر او باز می گردد. (۲)

مولانا جامی در مورد حسن چنین می نویسد: "صاحب تاریخ هند می گوید که در مکارم اخلاق و لطافت و ظرافت مجالس و استقامت عقل و روش صوفیه و لزوم قناعت و اعتقاد پاکیزه و در تجرد و تفرّد از علایق دنیوی و خموش بودن و خموش گذراندن بی اسباب ضوری همچو اوئی کمتر دیدم و چنان شیرین مجلس و مؤدب و مهذب بود که راحتی که از مجالس وی می یافتم از مجالست هیچکس نمی یافتم. (۴)

روایت است که حسن با حسن سیرت و صورت و با زیبایی اندیشه و طبع لطیف تا به پایان عمر به تجرد زیست و همسری اختیار نکرد و به وصایت پس از مرگ به شهر بدرهند به خاک سپردند.

آثار حسن سجزی

یکی از طوطیان هند امیر حسن یکه تاز هر دو میدان (نظم و نثر) بود. اگر ما تاریخ ادبیات فارسی را نگاه کنیم در می یابیم خیلی کم اندکسانی که نه تنها آثار منظوم و منثور هر دو داشته باشند بلکه در هر زمینه شهرت فراوانی هم بدست آورده، آثارشان شامل آثار مهمی محسوب شوند حسن یکی از افراد برجسته میباشد که اگر غزل می سراید به "سعدی هند" معروف می شود و اگر ملفوظات مرشد خود را جمع آوری می نماید؛ امیر خسرو هم می خواهد که تمام آثار خود را به نام او نموده تا در ظل سایه نام و شهرت او به عزتی والا دست یابد.

بقول صاحب "تاریخ فیروز شاهی" ضیاء پرنی راجع به حسن

چنین بیان می کند:

”دوم شاعری از شعرای پیگانه در عصر علایی (یعنی علاء الدین محمد خلجی) امیر حسن سجزی بوده است و او را تالیفات نظم و نثر بسیار است و پسلا مت ترکیب و روانی سخن آیت بوده است و از پس که غزلهای و جدانی در غایت روانی بسیار گفته است او را سعدی هندوستان خطاب شده بود.“ (۸) از آثار منثور حسن به اسم فواید الفوائد و مرثیه ای در رثای محمد خان معروف به محمد خان شهید می باشد و دیوان او دارای قصاید، غزلیات، ترجیعات و مثنویات است:

مرثیه سجزی در رثای محمد خان شهید

در سطور بالا ذکر نموده ایم که زمانی؛ پسر بزرگ غیاث الدین بلبلان (بلبل)، محمد خان حاکم ملتان گردید و منطقه لاهور نیز زیر نظارت وی بود؛ امیر خسرو و حسن سجزی را همراه خود به ملتان برد اما این مناطق به سبب تهاجمات مستمر مغولان اصلاً امنیت نداشت و مغولان سعی کافی داشتند تا از این مناطق به سرزمین وسیع هند دست یازند. حسن و امیر خسرو پنج سال در ملتان بودند و وقتی محمد خان شهید شد به هر دو بزرگان دو سال در اسارت گذراندند و حسن مقاله ای در رثای وی نوشت. نکته جالب این است که سعدی هند در شعر بدلولایی داشت اما برای محمد خان (قآن) مقاله ای نوشت به نثری فاخر. به هر حال وی مقاله را با گله از گردش سپهر ستمگر آغاز می نماید:

در بادِ خزانِ بین، که چه چه حد سردی

پرسرو چو آن چه نا چو انمردی کرد (۹)

حسن در این مقاله آغاز جنگ محمد شهید با مغولان را تا شهادت وی؛ کامل بیان می کند که در آخرین روز ماه مبارک ذی الحجه

پروژه جمعه در سال ۵۲۸۴. ق/ ۱۲۸۳ م شهرزاده متوجه گردید که به سرکردگی
تمر ملعون در یک فرسنگی شهر به اردو آمده اند.

وی برای پیش دستی بردشمن از شهر پالشکریان خارج و در
افرسنگی دشمن در کنار رود راوی در لاهور در اطراف باغ نثر لشکریان را
مستقر می کند و برای امنیت بیشتر در خشکی جزیره ماندی بین دو شعبه
رود اردو می زند، تا از یک سو سربازان خودی نتوانند فرار کنند و از سوی
دیگر دشمن نتواند به آسانی بر او حمله آورد با این همه تدبیر دست تقدیر
سرنوشتی دیگری بر او رقم زد:

هر کس را از بخت بد راه او افتد کار او در کام بد خواه افتد
بخت چون دیوانه از ره گم شود عقل چون شب کور در چاه افتد (۱۰)
در این کارزار امیر جنگاور بسیار رشادتها و قهرمانیها می کند و
دشمن را به عقب می راند و سپاه او نیز به پیروی از امیر و فرماندار خود،
به قلب دشمن یورش می برد و آن کافران دوزخ را به فرار و ادا می نماید.
اما از دست قضا، تیری زهر آلود به پهلوی آن قهرمان دلاور می نشیند و
شاهباز روح وی به عالم اعلی پرواز می نماید. امیر حسن سجزی، با اندوه
فراوان در رثای شهادت آن پادشه می گوید:

روی بـخاک می نهی وه که چنین نخواست
ماه زمانه ای ترا زیر زمین نخواست
گر پیشکار می روی، جان من است خاک تو
خلوت خاک خوش بود جان من این نخواست (۱۱)

و به چنین روش، شاهباز طائر روح قدسی او به ملکوت می پیوندد
دو قهرمان دلاور روی در خاک می نهادند شاعر در مرثیه ای جانگداز چنین
که خواننده شد تألم قلبی و تأسف خود را به شیوه ای شیوا و بیانی زیبا بیان
می دارد.

فواید الفوائد

معروف است که سقراط شاگردی بهتر از افلاطون نیافت و نه افلاطون توانست که استادی؛ بهتر از سقراط بدست بیاورد. روش‌ای که افلاطون برای پیمان افکار سقراط اختیار نمود، روش‌ای بود که ادبیات عالم بر آن افتخار می‌کنند، همچنین امیر حسن افکار مرشد خود نظام الدین اولیاء را در فواید الفوائد به زیبا ترین روش بیان نموده است. به همین جهت این کتاب در میان اهل عرفان و صاحبان تصوف همچون صحیفه آسمانی می‌ماند و در این مورد. عبدالحق محدث دهلوی چنین می‌نویسد: ”میر حسن را کتابی مسمی بفواید الفوائد و در آنجا ملفوظات شیخ را جمع کرده، در غایت متأنت الفقاظ و لطافت معانی. آن کتاب در میان خلفا و مریدان شیخ نظام الدین دستور ست.“ (۱۲)

میر حسن ملفوظات شیخ را در سال ۵۷۰۷.ق/ ۱۲۰۷م جمع آوری نمود که دارای صد و هشتاد و هشت ملفوظات می‌باشد و خود شیخ این کار حسن را آنچنان پسندیده بود که فرمود: ”نیکو نهشته‌ای و درویشانه نهشته‌ای و نام هم نیکو کرده‌ای.“ (۱۳) در مورد این اثر حسن معروف است که امیر خسرو می‌گفت که کاش تمام کتب که من نوشته‌ام به امیر حسن می‌دادم و ملفوظات سلطان المشایخ که وی جمع کرده است از مال من بود تا من تمام عمر بر این امر فخر و مباهات می‌کردم.

پروفسور نکلسن راجع به ”کشف المحجوب“ علی هجویری می‌نویسد که علی هجویری کشف المحجوب را چنین نوشته است که گویی صوفی‌های هم عصر او را می‌بینیم و ما در آینه این کتاب عرفان آن دوره را مجسم می‌بینیم صداقت این امر در ملفوظات شیخ نظام الدین

هم آشکار دیده می شود که نه تنها تصویری از زندگی مردم و جامعه در قرن هفتم و هشتم هجری، در هند بیان می کند بلکه روش زندگی نظام الدین اولیا و اهمیت وی بین مردم هند را نیز ابراز می نماید. (۱۲)

معنای لفظی و لغوی ملفوظات "تلفظ شده، انداخته و گفته شده" خوانده شد یا حدیث و سخن بزرگان است یا کتابی را گویند که در آن و عظم یا سخن مرشد به نحوی که در مجلس ایراد شده باشد؛ به این ترتیب که صوفیان و بزرگان دین در مجلس و محافل برای آموزش و تعلیم دین اسلام سخنانی را ایراد می کنند. (۱۵)

این طریقه تربیت و تهیه ملفوظات روش خواجگان چشتی بود بنابراین که قبل از حضرت گیسو دراز (۷۴۱ هـ.ق / ۱۳۲۱ م)، صوفی معروف شبه قاره، تألیف ملفوظات رایج نبود و تنها صوفیهای سلسله چشتیان بودند که با طریق و عظم و خطابه به تعلیم و تبلیغ می پرداختند و نظرشان این بود که کیفیتی که حال سخنرانی در مجالس به بزرگان دست می دهد از خواندن مکتوبات بدست نمی آید. بنابراین صوفیان ملفوظات دارای اهمیت خاصی می پاشند و به همین جهت حسن برای خدمت بزرگ به استاد و مرشدش این کار را انتخاب نمود و با این طریق عقاید دینی و عرفانی نظام الدین را به خوبی بیان نمود.

دیوان

دیوان حسن پیش از نه هزار بیت شعر شامل قصاید، غزلیات، ترجیعات، ترکیبات، رباعیات و مثنویات دارد و کلیات وی به نام کلیات سجزی دهلوی در ۱۲۵۲ هـ.ق / ۱۹۳۳ م در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است.

صاحب "سیر الاولیاء" راجع به شعر سرایی حسن می نویسد: "آن

ملك المملوك فضلا و آن بطرافت طبع دلر با یعنی امیر حسن علاء،
 سجری که غزلیات جگر سوز او از چشموق دلهای عاشقان آتش محبت
 بیرون می آورد و اشعار دلپذیر او راحتی دلهای سخنوران می رساند و
 لطائف روح افزای او مایه اهل ذوق است و سخن این بزرگ چاشنی شیخ
 سعدی دارد، و این بزرگ پیوسته میان شعرا متمکن و متجمل بود و
 هیچکسی لطیفه و نظم بدیهه بهتر از و نگفت و پادشاهان و پادشاه
 زادگان گوش هوش بر لطائف او می داشتند. (۱۲) بدون شک و تردیدی
 ویژگی های مذکور به بالا را ما بطور کامل در هر زمینه شعر او می بینیم.
 بطور نمونه رباعیات وی را ملاحظه فرمایید:

یک حرف تو چل صباح عالم را نور
 یک حرف تو هشت خلد را مایه ی حور
 حرف سیمین چهل و لی، را دستور
 زان چهار چهار رکن عالم معمور
 و دارم دلکی غمین بیا مرز و مپرس
 صد واقعیه در کمین بیا مرز و مپرس
 شرمنده شوم اگر بررسی عملم
 ای اکرم الاکرامین بیا مرز و مپرس (۱۴)

مثنویات

از نوآوری های حسن سرودن مدیحه در قالب مثنوی کوتاه در
 اوزان گوناگون است و بعضی از مثنویهای او نیز حکایات منحصر
 بفردحساری مطالبی است بمناسبت و قایع خاص از قبیل ولادت،
 عمارت های نو و نظایر آنها. از سوی دیگر جمعی از سرودهای او برگرفته از

داستانهای مردمی یا فولکلور بوده که حاوی سرگذشت‌ها و حکایات برگرفته از ادبیات عامه بود و دانش و دانش‌اندوزی در سروده‌های حسن بسیار ارج نهاده شده است.

معروف‌ترین مثنوی وی "عشق نامه" است. حسن این مثنوی را که دارای ششصد و شش بیت است به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف در سال ۸۷۰۰ ق. / ۱۴۰۰ م در یک شب سروده است و خود او در این مورد می‌سراید:

محبت لـوح بود و عشق خامه
از آن نامش نهادم عشق نامه
نمودم اندرین چندین تفکر
سواد یکشبه بود این همه
پس آن هفصد این در شد نموده
در شنبه غره ذوالحجه بوده
چو در نظم آمد این ابیات دلکش
شمردم حاصل آمد ششصد و شش (۱۸)

موضوع مثنوی، داستان عشق جوانی هندو به یکی از دختران هم‌کیش خود است. این جوان پس از مرگ معشوق خود را همراه جسد دختر می‌سوزاند. حسن این داستان را که در میان مردم مشهور بوده به نظم کشیده است و این یکی از ویژگی‌های شاعر توانا می‌باشد که داستانها و قصه‌های معروف جامعه را به صورت نظم بسراید.

نه خود کردم این افسانه منظم
که مشهور ست این قصه در این بوم
اگر گویی که این گفتن چرا بود
بیان عشق بی‌دینان خطا بود

بیان عشق کار هر زبان نیست
چو قائل زنده باشد زبان نیست (۱۹)

غزل سرائی

گر بندوشی دُردی از خمخانه دُردای حسن
داد معنی از می سعدی شیرازی دهی
شهرت اصلی حسن به سبب غزلسرائی است. غزلهای او
همچون سعدی ساده روان و دارای مضامین دقیق می باشد. وی با زبان
شعر پیروی از روش سعدی می کند و در لا به لای شعر و غزلهای خود این
امر را اقرار می کند.

از نظم حسن نوشد دیباچه عشق آری
چلد مخزنش دارد شیرازه شیرازی
حسن مثل استاد خود؛ سعدی، مضامین عاشقانه را در غزلش
بالحلیف ترین معانی اما در ساده ترین و فصیح ترین و کاملترین الفاظ
آورده است:

تا باز باز گرفتگی ز گرفتاری چند
جز جگر هیچ نخوردند جگر خواری چند
دل ما خسته چشم توشد و توهمه عمر
نشدی رنجه پیر سیدن بیماری چند
چند ازین غمزه زمان پرسرکوی آمدنت
تو مرا کشته شده گیر و چو من باری چند
صفات نعمت دیدار ترا نشنیدند
طرفه مرغان که فتادند بگلزاری چند
گر حسن را نظری بر غلط افتاد ببخش
چشم پر عفو تو دارند گنجهکاری چند

غزل حسن بیان یک عاشق است که به نهایت صداقت و پاکی
و سادگی به بیان احساسات بی قرار و روح لطیف و بی شائبه می پردازد:

چندین چه ناز آموختی آن غمزه غماز را
دل پردی نر جان سوختی حدیست آخر ناز را
هر چند هندی توام چون دزد از لعنت شکر
در هر کمین بنشانده ای ترکان تیر انداز را
هرگز نپرسد از کسی کعبه نشینان را نشان
مستی که او قبله کند چون ماهی طناز را
غالب نیاید عقل من بر عشق مهر و بیان، بلی
حد کبوتر کی بود که صید گیرد باز را (۲۰)

در غزل‌های او رنگینی و شیرینی عرفان هم وجود دارد و بقول

دکتر ظهور الدین احمد شعرهای حسن در محفل سماع خوانده می شد:

هر قدم راست راهی دینی و قبله گاهی
ما قبله راست کردیم بر سمت کج کلاهی
خیرای خطیب برخوان هر خطبه بی که داری
رویش نگر چه عیدی ابرو نماز گاهی
گر سرو و مه ندیدی بایکدگر موافق
بالایش بین چه سروی بالای سرو ماهی
بندی اگر گشایند از زلف ظالم او
از هر خمی بر آید فریاد داد خواهی
هر صبح اشک من بین سر پر زده مُرگان
چون شبنمی که افتد بر روی هر گیاهی (۲۱)

خلاصه کلام آنکه این شاعر سوخته دل، فرهیخته و پرداخته، برخاسته از بستر ادب و عرفان گستره ادب و سخن فارسی را در جامعه همد به اوج خود رساند و در عرصه عرفان اثری آفرید که تا به امروز و مسلم تا به فرداها، سرخط تحقیق و جستجو بوده و سرچشمه سیراب کنند. پویندگان عرفان و ادب در میان شاعران و سخنوران شبه قاره می باشد.



پی نوشت ها

- (۱) "اردو دائرة معارف اسلامیه" ص: ۲۲۸
- (۲) صفا، ذبیح الله "تاریخ ادبیات در ایران" ص: ۸۱۹
- (۳) دولت شاه سمرقندی "تذکره الشعراء" ص: ۱۸۲
- (۴) صفا، ذبیح الله "تاریخ ادبیات در ایران" ص: ۸۲۲
- (۵) شیخ محمد اکرام "آب کوثر" ص: ۱۷۲
- (۶) همو همان همانجا
- (۷) جامی، عبدالرحمن "نقحات الانس" ص: ۲۱۱
- (۸) صفا، ذبیح الله "تاریخ ادبیات در ایران" ص: ۸۲۲
- (۹) حسن سبخری "تاریخ مبارك شاهي" ص: ۱۱۱
- (۱۰) همو همان ص: ۱۱۲

- (۱۱) نقل از تاریخ مبارک شاهی با ترجمه آفتاب اصغر، ص: ۱۱۷
- (۱۲) محدث دهلوی، عبدالحق "اخبار الاخبار" ص: ۱۰۱
- (۱۳) اردو دائرة معارف اسلامیه، ص: ۲۲۸
- (۱۴) رشید احمد جالندهری، پیش لفظ "فوائد الفوائد" ص: ۷
- (۱۵) محمود هاشمی "تحول نثر فارسی در شبه قاره" ص: ۱۷۴
- (۱۶) سید محمد مبارک "سیر الاولیاء" ص: ۲۰۸
- (۱۷) جامی "نفحات الانس" ص: ۲۱۱
- (۱۸) ظهور الدین احمد "ایرانی ادب در شبه قاره" ص: ۷۷
- (۱۹) همو همان همانجا
- (۲۰) صفا، ذبیح الله "گنج سخن" ص: ۲۲۷، ۲۲۸
- (۲۱) حسن سجری "دیوان غزلهای" با تصحیح و مقدمه مریم خلیلی و محمد پارانی، ص: ۷۹۵

منابع

- (۱) اردو دائرة معارف اسلامیه زیر اهتمام دانشگاه پنجاب لاهور،
۱۳۹۲/۵/۱۹۷۲ م
- (۲) جامی، عبدالرحمن "نفحات الانس" با تصحیح و مقدمه مهدی
توحیدی پور، انتشارات کتابفروشی محمودی، پتا
- (۳) دولتشاه سمرقندی، امیر "تذکرة الشعراء" انتشارات پدیده خاور،
تهران ۱۳۳۸ ش

- (۴) دیوان غزلیهای امیر حسن سجری دهلوی پاتصحیح و مقدمه دکتر
مریم خطیطی جهاننیتیغ و محمد پارانلی، مرکز مطالعات شبه قاره و
آسیامی جنوبی، دانشگاه سیستان و بلوچستان ۱۳۸۲ش
- (۵) سید محمد مبارک "سیرالاولیاء" مرکز تحقیقات فارسی ایران و
پاکستان، پتا
- (۶) شیخ محمد اکرام "آب کوثر" اداره ثقافت اسلامیة، ۲. کلب رود،
لاهور، ۱۹۹۲م
- (۷) شیخ عبدالحق محدث دهلوی "اخبار الاخیار" فاروق اکادمی، ضلع
خیرپور سند، پاکستان، پتا
- (۸) صفا، ذبیح الله "تاریخ ادبیات در ایران" انتشارات فرنوس ۱۳۷۳ش، تهران
- (۹) صفا، ذبیح الله "گنج سخن" انتشارات ققنوس تهران ۱۳۲۳ش
- (۱۰) ظهیرالدین احمد "ایرانی ادب (در شبه قاره)" دانشگاه جی سی
لاهور، نوامبر ۲۰۰۲م
- (۱۱) فوائد الفوائد پاترجمه اردو محمد سرور زیراهتمام علماء اکادمی
محکمه اوقاف پنجاب، لاهور ۱۳۲۲.ق
- (۱۲) محمودة هاشمی "تحوّل نثر فارسی در شبه قاره" مرکز تحقیقات
فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد ۱۹۹۲م
- (۱۳) یحیی بن احمد سرهندی "تاریخ مبارک شاهلی" مترجم آفتاب اصغر،
مرکزی پورد اردو، لاهور، ۱۹۷۲م

